



741
E

نام :

نام خانوادگی:

محل امضاء :



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود.

امام خمینی (ره)

آزمون دانش‌پذیری دوره‌های فراگیر «کارشناسی ارشد» دانشگاه پیام نور

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی - ادبیات مقاومت (کد ۱۳۳)

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	تحقیق در متون نظم ادبیات مقاومت ایران	۲۰	۱	۲۰
۲	تحقیق در متون نثر ادبیات مقاومت ایران	۲۰	۲۱	۴۰
۳	صرف و نحو عربی	۲۰	۴۱	۶۰
۴	زبان تخصصی	۳۰	۶۱	۹۰

آذر ماه سال ۱۳۹۱

استفاده از ماشین حساب مجاز نمی‌باشد.

- ۱- معنی واژه‌های، ریمین، ریچار، پالهنک، کنام، فگار، به ترتیب کدام است؟
 (۱) مکار، مربا، ریسمان، خوابگاه، ریش
 (۲) حيله گر، نمک، تسمه، آشیانه، آزرده
 (۳) چرک، سبزی، کمند، جایگاه، مجروح
 (۴) دورویی، شربت، دوال، وطن، دل آزرده
- ۲- در ابیات زیر معنی واژه‌های مشخص شده به ترتیب کدام است؟
 الف: نه مرگ از تن خویش بتوان سپوخت
 ب: اگر هیچ سرخاری از آمدن
 ج: هر آن کس کجا بازماند ز خورد
 د: خورش دادشان لختکی از سبوس
 هـ: به زاری و سختی برآیدش هوش
 (۱) فروبردن، هرگز، خورش، راحتی، مرگ
 (۲) بیرون کشیدن، اندکی، خوردنی، سختی، جان
 (۳) دور کردن، کمی، جاودان، خوشی، هلاکت
 (۴) گذردادن، همواره، ابدی، ناتوانی، خرد
- ۳- کاربرد معنایی واژه‌ی «گر» (اگر) در کدام بیت متفاوت است؟
 (۱) نشاید بدین کار آهرمنی
 (۲) همه دشت سرتاسر آهرمن است
 (۳) کنون گرنباشی تو فریادرس
 (۴) همیشه به جنگ نهنگ اندراست
 که آرام جویی اگر دم زنی
 وگر ازدها خفته در جوشن است
 نسینی به مازندران نیز کس
 وگربا پلنگان به جنگ اندر است
- ۴- با توجه به بیت:
 «بسی یاد دادندم از روزگار دمان از پس و من دوان خوار خوار» کدام گزینه نادرست است؟
 (۱) یک ترکیب وصفی در بیت می‌باشد.
 (۲) «م» در «دادندم» نقش متممی دارد.
 (۳) در بیت چهار قید وجود دارد.
 (۴) حذف فعل به قرینه‌ی معنوی صورت گرفته است.
- ۵- فعل «ماندن» در همه‌ی ابیات به جز بیت در وجه متعدی به کار رفته است.
 (۱) از امروز کاری به فردا ممان
 (۲) پدر چون به فرزند ماند جهان
 (۳) یکی کم شود دیگر آید به جای
 (۴) چنو گربندی سام را دستبرد
 که داند که فردا چه گردد زمان
 کند آشکارا بسر او بر نهان
 جهان را نمانند بی کدخدای
 زترکان نمندی سرافراز گرد
- ۶- در بیت:
 «چو خورشید، تیزآتشی بر فروخت برآورد از آب و بر آتش بسوخت» «از آب» چه نقشی دارد و در کدام معنی به کار رفته است؟
 (۱) قیدی، بی‌درنگ
 (۲) متممی، شتابان
 (۳) قیدی، چاه
 (۴) متممی، سرد و یخزده
- ۷- آرایه‌های مقابل کدام بیت، نادرست است؟
 (۱) جهانی زبیری شده نوجوان
 (۲) برانگیخت رخس دلاور زجای
 (۳) نه خورشید شمشیر گردان بدید
 (۴) بتوفید شهر و برآمد خروش
 همه سبزه و آب‌های روان (تضاد، جناس)
 به چنگ اندرون نیزه‌ی جان ربای (تشبیه، ایهام)
 نه گردی به روی هوا بردمید (تشخیص، مراعات نظیر)
 تو گفتمی همی کر کند نعره گوش (مجاز، اغراق)

- ۸- در همه‌ی ابیات به استثنای بیت اغراق وجود دارد.
- (۱) بیامد به سان نهنگ دژم
(۲) جهان سربه‌سرگشته دریای قار
(۳) از این بیش‌تر نامداران گرد
(۴) بدان زور هرگز نباشد هزبر
- ۹- در کدام بیت آرایه‌ی تشبیه وجود ندارد؟
- (۱) جهان آفریننده یار من است
(۲) به دست وی اندر یکی پشه‌ام
(۳) یکی پیلتن دیدم و شیر چنگ
(۴) درفشش سیاه است و خفتان سیاه
- ۱۰- نوع قافیه در کدام بیت متفاوت از ابیات دیگر است؟
- (۱) گلاب است گویی به جویش روان
(۲) نوازنده بلبل به باغ اندرون
(۳) به پیش آمدند همه سرکشان
(۴) تو را جنگ ایران چو بازی نمود
- ۱۱- مفهوم کنایی «روی زرد کردن» در کدام بیت، نادرست است؟
- (۱) دگرباره بیدار شد خفته مرد
(۲) بشد لوری و گاو و گندم بخورد
(۳) کنون چون شود روی خورشید زرد
(۴) یکی نامه بنوشت پُر داغ و درد
- ۱۲- مفهوم کنایی در همه‌ی مصراع‌ها به استثنای مصراع درست است.
- (۱) بخائید رستم همی پشت دست: تأسف خوردن و پشیمان شدن
(۲) چوتنگ اندر آورد با وی زمین: نزدیک شدن به کسی
(۳) به یک دست آتش به یک دست باد: نابود شدن و از هستی سافط گشتن
(۴) تو گفתי که خورشید گم کرد راه: سرگشته و حیران شدن
- ۱۳- در کدام بیت مفهوم بیشگویی و آینده‌نگری از زبان بزرگان و شاهزادگان، به دیگران مخابره می‌شده است؟
- (۱) گمانش چنان بد که گردان سپهر
(۲) زمانه چو آمد به تنگی فراز
(۳) کنون آمد از کارشاه آگهی
(۴) به روشن دل از دور بدها بدید
- ۱۴- مفهوم همه‌ی ابیات به استثنای بیت یکی است.
- (۱) به خواب اندر آمد سر روزگار
(۲) برین بر نیامد بسی روزگار
(۳) کس از آزمایش نیابد جواز
(۴) چنین است کیهان ناپاک رای
- ۱۵- مفهوم کنایی مصراع دوم در بیت زیر، چیست؟
- «تو با این سپه پیش من رانده‌ای / همی گوز بر گنبد افشاندی»
- (۱) از حدّ خود تجاوز کردن (۲) کار بیپوده کردن (۳) شکست خوردن (۴) عدم ثبات و تعادل در کار

۱۶- مفهوم عبارات عربی زیر در همهی ابیات به استثنای بیت وجود دارد. «ثُمَّ أَتَى مَكَانَ الْعِبَادَةِ وَ جَعَلَ يَنَاجِي رَبَّهُ وَ أَقَامَ

كَذَلِكَ أُسْبُوعًا مِنَ الزَّمَانِ. ثُمَّ خَرَجَ فِي الْيَوْمِ الثَّامِنِ وَ فَتَحَ أَبْوَابَ الْخَزَائِنِ وَ قَرَّقَ الْأَمْوَالَ ...»

- | | |
|-----------------------------------|-------------------------------|
| (۱) وز آن پس بیامد به جای نماز | همی گفت باداور پاک، راز |
| (۲) به یک هفته بد پیش یزدان پاک | همی با نیایش بیسمود خاک |
| (۳) به یک هفته چون کارها گشت راست | می و جام زرین و میخواره خواست |
| (۴) به هشتم در گنجها کرد باز | ببخشود آن را که بودش نیاز |

۱۷- معنی بیت زیر، کدام است؟

«چنان بر گرفتم ز زین پلنگ که گفתי ندارم به یک پشه سنگ»

- (۱) چنان از زین اسب وحشی پریدم که انگار پشه‌ای بیش نبودم
- (۲) چنان مرا از زین اسب فرود آورد که گویی ارزش کمی داشتم
- (۳) آن چنان او را از زین اسبی که از چرم پلنگ بود، گرفتم که انگار مانند پشه سبک بال و بی‌وزن بودم
- (۴) آن چنان مرا از روی زینی که از چرم پلنگ بود، برگرفت که گویی هم وزن پشه هم نیستم.

۱۸- با توجه به مفهوم، دو بیت زیر به کدام ماجرا در شاهنامه اشاره دارد؟

«زگفتار او تیز شد مرد هوش بجست و گرفتش یکایک دو گوش
بیفشرد و برکند هر دو زبن نگفت از بدو نیک با او سخن»

- (۱) گفتار در منزل پنجم رستم به مازندران و داستان او با مرد دشتوان
- (۲) گفتار در منزل چهارم رستم به مازندران و داستان او با زن جادو
- (۳) گفتار در پادشاهی کیقباد و جنگ او با افراسیاب و شکست دادن او
- (۴) گفتار در منزل ششم رستم به مازندران و داستان او با اولاد و گرفتن او

۱۹- مفهوم بیت:

«هر آن کس که بینی زیر و جوان تنی کن که با او نباشد روان» کدام است؟

- (۱) کسی را انتخاب کن که جادوگر نباشد
- (۲) از پیرو جوان همه را نابود کن
- (۳) از بین مردم، افراد عادی را برگزین
- (۴) تن پیرو جوان را از روان جداساز

۲۰- دیو سپید در همهی ابیات به استثنای بیت کیکاووس را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهد.

- | | |
|-------------------------------|----------------------------|
| (۱) چو با تاج و با تخت نشکفتی | خرد را بدین گونه بفریفتی |
| (۲) همی نیروی خویش را پیل مست | ندارد، نگردد از او مورست |
| (۳) همان داستان یاد باید گرفت | که خیره بماند شگفت از شگفت |
| (۴) همی برزخی را نیا راستی | چرا گاه مازندران خواستی؟ |

۲۱-

همه‌ی موارد به استثنای درباره‌ی کتاب تاریخ جهان‌گشای جوبینی «تماماً» درست است.

(۱) عطا ملک در حدود سال ۶۵۸ تألیف جهانگشا را آغاز کرده است و بخش بزرگ جهانگشا در تاریخ چنگیز و اعقاب اوست، اما تاریخ خوارزمشاهیان و سلجوقیان را نیز در بردارد.

(۲) جلد نخست جهانگشا، شامل تاریخ چنگیز خان و فتوحات او و سلطنت اوکتای فآن یسر چنگیز و نیز سلطنت گیوک خان یسر اوکتای است.

(۳) جلد دوم شامل تاریخ خوارزمشاهیان و ملوک قراختای و گورخانیه و سرگذشت حکام و شحنگان مغول چون جنتمور، نوسال، گرگوز و امیر ارغون است.

(۴) جلد سوم شامل تاریخ منکو فآن و تفصیل حرکت هلاکو به ایران، و قلع و قمع اسماعیلیه و ملوک اسماعیلیه‌ی الموت و شرح مذهب اسماعیلی است.

۲۲-

نظریه‌ی زیر درباره‌ی کتاب تاریخ جهانگشا از کیست و در کدام کتاب بیان شده است؟

«تاریخ جهانگشا، تاریخ فاتح جهان است.» «دسون» که در تدوین کتاب خود از تاریخ جهانگشا استفاده‌ی بسیاری کرده، به نظر من درباره‌ی مولف سخن شدیدی به کار برده که نارواست.»

(۱) بار تولد - دایرة المعارف اسلام

(۲) ادوارد براون - تاریخ ادبی ایران

(۳) ملک الشعراى بهار - سبک شناسی

(۴) دکتر عبدالحسین زرین کوب - نقد ادبی

۲۳-

معنی واژه‌های «نضارت، غزارت، خلل، نغام، مغافسه، شویب، لواقع» به ترتیب کدام است؟

(۱) شادابی، دشمنی، بیرایه‌ها، سخن‌چینی، هم اکنون، وصمت، آستن کنندگان

(۲) خرمی، دشمنی ورزیدن، زیورها، غماز، هم اکنون، شک‌ها، رشد دهندگان

(۳) تازگی، بسیار شدن، زیورها، غماز، ناگهان، عیوب، آستن کنندگان

(۴) آبادی، متبحر، لباس‌های نو، سخن‌چین، ناگهانی، عیب، رشددهندگان

۲۴-

معنی چند واژه درست است؟

(اجتناب: چیدن) (ارغام: خوارساختن) (بغل: سرزمین) (تحاشی: دوری) (خبیثه: پنهان کرده) (خزیه: گنجینه) (صرامت: جرأت و مردانگی) (صوب: جامه) (صندید: مهتر) (قداح: کاسه‌ها)

(۱) پنج (۲) شش (۳) هفت (۴) هشت

۲۵-

در متن «تروک التزام ارباب تأسف و اجتناب از سلوک جاده‌ی تکلف واجب است، به معنی گرا تا کی از بوی و رنگ ازین نمط غدر اقتصار کرد؛ مرد بینا بداند که عاقبت و فرجام دنیا این است. مواصلت او سررشته‌ی مفاصلت و معاشرت او سرشته به معاشرت. او را پشت پای لاساس زده‌اند و پهلو از ایناس و ابصاص او تهی کرده» چند غلط املائی یافت می‌شود؟

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۲۶-

در متن «مغولان دندان انتقام تیز کرده و دهان حرص گشاده که بار دیگر دستی بزنیم و کامی برانیم و خلاق را حطب تنور بلا سازیم و اموال و اولاد ایشان را غنیمت گیریم، خود فضل ربانی و لطف یزدانی عاقبت فتنه را به دست شفقت محمود، چون نامش محمود گردانید و طالع آن شهر را باز مسعود.» کدام آرایه‌های ادبی یافت می‌شود؟

(۱) تشبیه، حسن تعلیل، ایهام، استعاره، التفات

(۲) کنایه، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز، لف و نشر

(۳) تشبیه، مجاز، ایهام تناسب، حسن تعلیل، اغراق

(۴) کنایه، استعاره، ایهام، جناس، مجاز

۲۷- اگر ابیات زیر به لحاظ داشتن آرایه‌های «جناس، تضاد، تشبیه، تلمیح و استعاره» از بالا به پایین مرتب کنیم، کدام ترتیب درست است؟

- | | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| الف) همای بر سر مرغان از آن شرف دارد | ب) چون سر زلف شب به شانه زدند |
| ب) چون سر زلف شب به شانه زدند | ج) هر آنکه که خشم آورد بخت ششوم |
| ج) هر آنکه که خشم آورد بخت ششوم | د) سی سال شد که بنده به صف نعال در |
| د) سی سال شد که بنده به صف نعال در | ه) گهی مهر و نوش است و گه کین و زهر |

۱) د، ه، ج، الف، ب ۲) الف، ب، ج، د، ه ۳) د، ه، الف، ب، ج ۴) الف، ج، ه، د، ب

۲۸- مفهوم ضرب‌المثل «إِذَا كَانَ الْغُرَابُ دَلِيلَ قَوْمٍ»
یکسان است.

- | | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| ۱) هر که راهبر زغن باشد | ۲) کسی را کجا کور بد رهنمون |
| ۲) کسی را کجا کور بد رهنمون | ۳) هر آن کس را که باشد راهبر بوم |
| ۳) هر آن کس را که باشد راهبر بوم | ۴) کسی کش مارشیا بر جگر زد |
| ۴) کسی کش مارشیا بر جگر زد | گـ گذر او به مرغن باشد |

۲۹- مفهوم کدام عبارت در کمانک مقابل آن نادرست آمده است؟

- ۱) سلطان با خواص گفت که پستی است که باز روی آن نتوان دید. (گفت: اقبال به او پشت کرد و روی سعادت هرگز نمی‌بیند).
- ۲) وی به صدد عظیم امور و جلایل کارهای با خطر گشته بودند (وی عهده‌دار کارهای بزرگ و وظایف خطیر شده بودند).
- ۳) به زی خطا متلبس و به کلاه متقلنس گشتند. (در جامه و کلاه از مردم خطا پیروی کردند).
- ۴) رخسار آمال را بعد از خدشات یأس و نومییدی آب باروی کار آمده (آرزوها پس از نومییدی برآورده شده).

۳۰- در بیت «غم حلقه‌ی دل گرفت، دل گفت در آی بیگانگی نیست تومایی ما تو» نقش واژه‌های مشخص شده، به ترتیب کدام است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) نهاد، فعل، مسند، مسند ۲) نهاد، مفعول، نهاد، مسند | ۳) مفعول، فعل، نهاد، نهاد ۴) نهاد، مفعول، مسند، مسند |
|--|---|

۳۱- مفهوم بیت «رَأَيْتَ الدَّهْرَ يَرْفَعُ كُلَّ وَغْدٍ وَ يَخْفِضُ كُلَّ ذِي شَيْمٍ شَرِيفَةٍ» با کدام عبارت تناسب معنایی دارد؟

- ۱) ندامت و تلهف بر فوت ایام تحصیل مریح نیست چنان که حسرت و تأسف بر اعوام تعطیل منجحه.
- ۲) اگر صاحب نظری پاکیزه‌گوهری که منصف و مقتصد باشد، در این معانی به چشم حقد و حسد که مظهر و مبدی معایب است، ننگرد.
- ۳) اختیار ممتحن و خوار و اشرار ممکن و درکار، کریم فاضل تافته‌ی دام محنت و لئیم جاهل یافته‌ی کام نعمت.
- ۴) هر چه از خیر و شر و نفع و ضرر در این عالم کون و فساد به ظهور می‌پیوندد به تقدیر حکیمی مختار منوط است.

۳۲- مفهوم متن زیر با کدام بیت قرابت معنایی ندارد؟

« و احياناً اگر بر خلاف عادت روزگی چند خَصْرَاءُ الدمن وار سبزی کند، عاقبت کار هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحَ باشد، و بر رای سلطانی

نیز مخفی و مستور نبود که مکابدت با فلک ستهیبنده و معاندت با روزگار گردنده رنج و عناست.»

- | | |
|-------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) خیره به فسوس و به فساد چه نهی دل | ۲) خدای عرش جهان را چنین نهاد نهاد |
| ۲) خدای عرش جهان را چنین نهاد نهاد | ۳) جهان یک نواله است پیچیده سر |
| ۳) جهان یک نواله است پیچیده سر | ۴) چو دادی و خوردی و ماندی به جای |
| ۴) چو دادی و خوردی و ماندی به جای | کاحوال جهان جمله فسوس است و فسانه |

که گاه مردم از او شادمان و گه ناشاد
در او گاه حلوا بود گه جگر
جهان را تویی بهتسیرین کد خدای

- ۳۳- در همه‌ی عبارات به استثنای عبارت توصیفی از طلوع خورشید آمده است.
 (۱) نه‌بین شب از تنور زمین برداشتند و قرص خور از معده‌ی شام برکشید.
 (۲) چاوشان جمشید فلک، تیغ‌های درفشان از نیام افق بر کشیدند و سپاه سیاه شام را هزیمت داد.
 (۳) سپاه سیاه پوش شب از طلایع تباشیر صبح روز پشت به هزیمت داد و خسرو سیارگان مؤید و کامران از افق طلوع کرد.
 (۴) آفتاب اگر به مقارنه‌ی ایشان گراید، چون ماه شب روی آغاز کند و روی جهان افروز را به تخت‌گاه دولت نهد.
 ۳۴- مفهوم عبارات «و مغول را در ابتدا به زر و جواهر التفاتی نبود، چون جنتمور متمکن شد این بزرگ اظهار کفایت را مال در دل‌های ایشان شیرین کرد، چون ابلیس که زهرات دنیا در دل‌ها محبتی انداخته است و سرمایه‌ی همه بلایی ساخته.» یاد آور کدام بیت است؟

- | | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| (۱) شاهها هزارسال به ملک اندرون بمان | (۱) وانگه هزارسال به عز اندرون ببال |
| (۲) چو اسباب تماشا شد مهیا | به وصل ما یک امشب سردر آری |
| (۳) اسب تازی شده مجروح به زیر بالان | طوق زرین همه در گردن خرمی بینم |
| (۴) طره‌ی شب ز رخ روز همی برگیرند | وقت آن است که مستان طرب از سرگیرند |
- ۳۵- بیت «و اذا المنيّة أنشبت اظفارها
- | | |
|----------------------------------|---|
| (۱) ابوالعاهیه در مدح مهدی | (۲) ابی ذؤیب همدلی در رثای فرزندانش |
| (۳) بشامة بن حزن در سوگ برادرانش | (۴) ابوالقاسم حسن مستوفی در مدح سلطان محمود غزنوی |

- ۳۶- مفهوم عبارات «هر که را تسییر درجه‌ی طالع دولت به جرم قاطع محنت رسید، خورشید اقبالش که از جیب افق مشرق سعادت سربرزدی، به زوال نامرادی و مغرب ادبار کشید و عقده‌ی ذنب نحوست رأس شقاوت او گشت.» کدام است؟
 (۱) هرگام اجرام آسمانی که تعیین کننده‌ی سرنوشت آدمیان است، برخلاف کسی گردش کند، بخت و اقبال از او روی بر می‌تابد.
 (۲) شایسته است که آدمیان اجرام آسمانی را در سرنوشت خویش دخیل ندانند و ادبار و اقبال را مطیع و فرمان بردار نباشند.
 (۳) زمانی که ستارگان آسمانی سرنوشت را برای کسی نگاشتند، اعراض کردن از او، ممکن نیست و سرنوشت قطعی آنان است.
 (۴) ستارگان تعیین کننده‌ی سرنوشت اگر طالع نیک را رقم زنند دست هیچ قادری به عوض کردن او نشاید.
 ۳۷- کدام عبارت درست معنی نشده است؟

- (۱) قصور بعد از سرکشی در پای مقصور افتاد، گلشن، گلخن شد، صفوف بقاع قاعاً صفصفاً گشت. (قصرها، پس از آن که سر برافراشته بودند، پست شدند. گلزار به جهنم تبدیل شدو سراها به زمین صاف وهموار مبدل گشت.)
 (۲) وقت استیفای جرایات و رسوم بر مئین و الوف فزون باشند و هنگام مقابله و مقاتلت صفوف سر به سر حشو باشند. (هنگام گرفتن مقرر و مواجب پیش‌تر از صدها و هزاران تن باشند؛ اما موقع جنگ زاید و بیکاره‌اند.)
 (۳) برای تخلید مآثر گزیده و تأیید مفاخر پسندیده‌ی پادشاه، تاریخی می‌باید پرداخت و تقیید اخبار و آثار او را مجموعه‌ای ساخت. (برای جاودانی ساختن مآثر و مفاخر پادشاه و قید و نگهداری اخبار و آثار او مجموعه‌ای باید تألیف کرد.)
 (۴) و هر آینه چون آن قوم بدین مقام - که مشارالیه از بلاد این است و مسکن صدور حکمت - رسند بر هیچ آفریده ابقا نکنند. (و البته چون آن قوم بدین درجه و مقام رسیدند که در میان مردم درجه‌ی والایی دارند و این اعتبار و درجه، بر هیچکس ماندگار نخواهد بود.)

- ۳۸- مفهوم عبارت «دل نورانی چو از مشکات انوار ربانی مستضیء باشد، بر ایمان هر لحظه اطمینان زیادت داشته باشد و اگر چه به تکالیف عذاب مؤاخذ و معاقب بود.» با همه‌ی ابیات به استثنای بیت تناسب دارد.

- | | |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| (۱) گنج و رنج و غنا و درویشی | هر چه در عالم است درگذر است |
| (۲) در قهقه‌ی کبک دو صد چنگل باز است | اندر پس هر خنده دو صد گریه مهیاست |
| (۳) گل بی خار اندر گلشن دهر | به چشم تیز بین کی می‌توان دید |
| (۴) این است که گنج نیست بی مار | هر جا که رطب بود بود خار |

-۳۹

معنی بیت «فَمَا هِيَ إِلَّا جِيفَةٌ مُسْتَحِيلَةٌ عَلَيَّهَا كِلَابٌ هَمُّهُمْ اجْتِدَائِبُهَا» کدام است؟

- (۱) دنیا فریبنده و مکار است کارها را دگرگون و مغشوش می کند و به گونه‌ی دیگر نشان می دهد.
- (۲) دنیا نیست جز لاشه‌ای گندیده که سگانی بر آن گرد آمده و قصد ربودن آن را دارند.
- (۳) دنیا محل گذر است و شکوه و سلطنت این جهان را همچون مرداری به سگان و فرومایگان بگذارد.
- (۴) زندگی دنیوی، ناپسند است و مانند مرداری است و ای نفس بکوش که روزگار تو بر سر شوخی است.

-۴۰

مفهوم رباعی:

«می خور که سمن سما بسی خواهد دید
زین یک دم عاریت که داری بر خور
با کدام رباعی تناسب دارد؟

خوش زی که سہی سہا بسی خواهد دید
می دان که چمن چو ما بسی خواهد دید»

- (۱) هر کوبه سلامت است و نانی دارد
نه خادم کس بود نه مخدوم کسی
 - (۲) هر ذره که بر روی زمینی بوده است
گردد از رخ نازنین به آزرم فشان
 - (۳) برخیزو مخور غم جهان گذران
در طمع جهان اگر وفایی بودی
 - (۴) قانع به یک استخوان چو کرکس بودن
با نان جوین خویش حقا که به است
- و ز بهر نشستن آشیانی دارد
گو شاد بزی که خوش جهانی دارد
خورشید رخی زهره جبینی بوده است
کان هم رخ خوب نازنینی بوده است
بنشین و دمی به شادمانی گذران
نوبت به تو خود نیامدی از دگران
به زان که طفیل خوان هر کس بودن
کالوده به پالوده‌ی هر خس بودن

- ■ عَيْن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (٤١ - ٤٦)
- ٤١- ﴿ فليضحكوا قليلاً و ليبيكوا كثيراً جزاءً بما كانوا يكسبون ﴾:
- (١) ما: اسم غير متصرف - موصول عام أو مشترك - معرفة / مجرور محلاً بحرف الجرّ؛ بما: جار ومجرور و متعلّقهما شبه فعل «جزاء» و عائد الصلة الضمير المحذوف في «يكسبون»
- (٢) قليلاً: مفرد مذكر - مشتق و صفة مشبّهة (مصدره: قلّة) - نكرة - معرب - صحيح الآخر - منصرف / حال مفردة و منصوب، و صاحب الحال ضمير الواو في «يضحكوا»
- (٣) بيكوا: للغائبين - معتل و ناقص (إعلاله بالحذف) - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل مجزوم بلام الأمر و علامة جزمه حذف حرف العلة
- (٤) جزاء: اسم - مفرد مؤنث - جامد (مصدر) - نكرة - معرب - ممدود - ممنوع من الصرف / مفعول لأجله و منصوب
- ٤٢- « أحمد الله و أستعينه على مزاجر الشيطان و الاعتصام من حباله! »:
- (١) الله: لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذكر - جامد (غير مصدر) - معرّف بالإضافة - معرب - صحيح الآخر / مفعول به و منصوب تقديراً
- (٢) الاعتصام: اسم - مفرد مذكر - مشتق و صفة مشبّهة - معرّف بأل - معرب - صحيح الآخر - منصرف / معطوف و مجرور بالتبعية
- (٣) مزاجر: جمع تكسير (مفرده: مزجرة، مؤنث) - معرّف بالإضافة - معرب - ممنوع من الصرف / مجرور بحرف الجرّ، على مزاجر: جار و مجرور و متعلّقهما فعل «أحمد»
- (٤) أستعين: مضارع - للمتكلم وحده - مزيد ثلاثي من باب استفعال - معتل و أجوف (إعلاله بالإسكان) - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل مرفوع و فاعله ضمير «أنا» المستتر فيه وجوباً
- ٤٣- « أرجو من حلمك أن تصفح عن ذنبي لم أقرّفه عمداً! »:
- (١) أرجو: فعل مضارع - للمتكلم وحده - مجرد ثلاثي - معتل و ناقص (إعلاله بالإسكان بحذف الحركة) - معرب / فعل و مرفوع محلاً ، و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره «أنا» و الجملة فعلية
- (٢) تصفح: للمخاطب - مبني للمعلوم - معرب / فعل منصوب بحرف «أن» و فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنت» و الجملة مصدر مؤولّ و مفعول به لفعل «أرجو» و منصوب محلاً
- (٣) أقرّف: مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد من باب افتعال - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية و نعت و مجرور محلاً بالتبعية للمنعوت، و رابطها ضمير «أنا» المستتر
- (٤) عمداً: مفرد مذكر - مشتق و صفة مشبّهة - نكرة - معرب - صحيح الآخر - منصرف / حال مفردة و منصوب و هو مؤولّ إلى المشتق «عامداً»

٤٤ - « بله هذا التواني، فكلّ توانٍ مُبِيد الطاقات! »:

(١) هذا: اسم إشارة للقریب - معرفة - مبني على السكون/ مفعول به لاسم الفعل «بله» و منصوب محلاً
(٢) بله: اسم فعل منقول و قياسي بمعنى الأمر - لازم - مبني على الفتح / فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً
تقديره «أنت» و الجملة فعلية

(٣) التواني: مفرد مذكر - جامد و مصدر (من باب تفاعل) - معرب - منقوص - ممنوع من الصرف/ عطف
بيان و منصوب بفتحة مقدّرة بالتبعية

(٤) الطاقات: جمع سالم للمؤنث - مشتق و اسم فاعل - معرف بال - معرب - صحيح الآخر / مضاف إليه
و مجرور في اللفظ، و في المعنى مفعول به و منصوب محلاً

٤٥ - « اجتمعت أمس ببعض أصدقائي العلماء الذين بددوا ظلمات الغباوة عن الأذهان! »:

(١) أمس: اسم - مفرد مذكر - جامد - معرب - صحيح الآخر - منصرف/ ظرف غير متصرف أو مفعول فيه للزمان
و منصوب محلاً

(٢) أصدقاء: جمع تكسير (مفرد: صديق، مذكر) - مشتق و صفة مشبهة (مصدره: صداقة) - ممدود -
منصرف/ مضاف إليه و مجرور محلاً

(٣) الذين: اسم - موصول خاصّ أو مختصّ - لجمع المذكر - معرفة - مبني على الفتح / نعت مفرد
و مؤول إلى المشتق و مجرور محلاً بالتبعية للمنعوت «أصدقاء»

(٤) بددوا: مزيد ثلاثي من باب تفعل - صحيح و مضاعف (إدغامه جائز) - لازم - مبني للمعلوم - مبني على
الضمّ / فعل و فاعله ضمير الواو البارز، والجملة فعلية و صلة و عائدها ضمير الواو

٤٦ - « باشر أخوك العمل و لما يُمرّه على محكّ الفكرة! »:

(١) لما: اسم غير متصرف - من الأسماء الملازمة للإضافة - مبني على السكون/ ظرف غير متصرف أو
مفعول فيه للزمان و منصوب محلاً، و متعلّقه فعل «باشر»

(٢) محكّ: مفرد مذكر - مشتق و اسم آلة (مصدره: حكّ) - معرف بإضافة - معرب / مجرور بحرف
الجرّ؛ على محكّ: جار و مجرور و متعلّقهما فعل «يمرّ»

(٣) يمرّ: مضارع - مزيد ثلاثي من باب تفعيل - صحيح و مضاعف (إدغامه جائز) - متعدّ - مبني للمعلوم/
فعل مجزوم و فاعله ضمير «هو» المستتر

(٤) باشر: ماضٍ - مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد من باب مفاعلة - معتل و أجوف (إعلاله بالقلب) // فعل
و فاعله «أخو» و الجملة فعلية

■ ■ عین الصحيح في التشكيل (٤٧ - ٤٨)

٤٧ - « لا يسعى هذا الفتى سعي ذوي الهمم، غير أنّ فكره نعم الفكر السامي! »:

(١) ذوي الهمم - فِكرُهُ - الفِكرُ
(٢) الفتى - سَعَى - الهمم - السامي
(٣) سَعَى - ذَوِي - غَيْرَ أَنْ - نِعْمَ
(٤) يَسْعَى - الفتى - غَيْرَ إِنَّ - الفِكرُ

- ٤٨ - « أجاد الخطباء في خطبهم و لا سيّما الخطيب الذي كنا نعرفه من قبل! »:
- (١) الخطيب - الذي - كنا - نعرفه
(٢) خطبهم - سيّما - الخطيب - نعرف
(٣) أجاد - الخطباء - سيّما - الخطيب
(٤) الخطباء - خطبهم - الخطيب - كنا
- ■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤٩-٦٠)
- ٤٩ - عيّن الخطأ في إملاء الهمزة:
- (١) رزء - برائة - نسيأة - سنؤال
(٢) يسأم - تهديئة - كرائم - رؤوف
(٣) مؤبّد - أجرأ - رنال - هيئة
(٤) فيء - فئات - مأخذ - شيء
- ٥٠ - عيّن ما يمتنع فيه الإعلال كلها:
- (١) استعار - يقول - يُقيد
(٢) أعور - مقول - أفود
(٣) أجاد - يروم - أشيب
(٤) أجود - نال - يجود
- ٥١ - عيّن ما يمكن أن يُبنى منه أفعال التفضيل:
- (١) اجتهد (٢) ذكّر (٣) بصر (٤) اسودّ
- ٥٢ - عيّن الحرف المضارع مضموماً في كل الأفعال:
- (١) أفنع - استقبل - باشر - تفاهم
(٢) دحرج - تجرّع - استمّر - جلس
(٣) تزلزل - تعلّم - اجترأ - كاتب
(٤) زلزل - أقبل - علم - جادل
- ٥٣ - عيّن الماضي يدلّ على الحال:
- (١) قال البائع في الذكان: بعنك سيارتي!
(٢) بادر العمل حينما عزمتم عليه و لا تفت فرصة!
(٣) إن علمت كم يضرك الكسل لابتعدت عنه!
(٤) رحم الله امرأ رحم أخاه و لم يصعب عليه!
- ٥٤ - عيّن الخطأ في إعراب المضارع:
- (١) اجتهدوا أيها الطلبة تتجحوا في الامتحانات!
(٢) ما كان المتكاسلون لينجحون في الامتحان!
(٣) ما كانت المتكاسلات لينجحن في الامتحانات!
(٤) اجتهدن أيّتها الطالبات، تتجحن في الامتحان!
- ٥٥ - « المؤمنون يرحمهم الله في الآخرة! ». عيّن الصحيح في البناء للمجهول:
- (١) المؤمنون يُرحمون من الله في الآخرة!
(٢) يُرحم المؤمنون في آخرتهم!
(٣) المؤمنون يُرحمون في الآخرة!
(٤) يُرحمون المؤمنون في آخرتهم!
- ٥٦ - عيّن الخطأ في أفعال المقاربة:
- (١) عسى الله أن يفرّج عنا!
(٢) كاد الفقر أن يكون كفراً في الدنيا!
(٣) حرى المريض أن يُشفى!
(٤) شرع الشاعر أن ينشد قصيدته!
- ٥٧ - « هي صادقة في العمل! ». عيّن الخطأ في صياغة التعجب:
- (١) ما أصدق هي ...! (٢) ما أصدقها ...! (٣) أصدق بها ...! (٤) لله درها صادقة ...!

٥٨- عَيْنُ الخَطَأِ:

- ١) كانت عندي أربع أقلام أكتب بها تمارين الهندسة و الحساب!
- ٢) إذا تنقضي من سنوات عمرك مئات الأيام فإنك لن تتسى أيام طفولتك!
- ٣) إنني قرأت دروسي ست مرات في الأسبوع فحصلت على الدرجة الممتازة!
- ٤) عندنا في الصف ثلاثة و عشرون طالباً ندرس و نطالع معا و قد نختلف مع بعض!

٥٩- عَيْنُ الخَطَأِ في التأكيد:

- ١) لم يحضر الأساتذة كلهم في الكلية!
- ٢) حضرت الطالبتان أنفسهم في الصف!
- ٣) رأيت الطالبتين كلتيهما في المكتبة!
- ٤) شارك المؤمنون أنفسهم في الصلاة!

٦٠- عَيْنُ الخَطَأِ في المنادى:

- ١) يا صادق في كلامه؛ طوبى لك!
- ٢) يا حسن بن تقي؛ تفضل عندي!
- ٣) يا تقي بن أختي ...!
- ٤) يا زميلتنا فاطمة و مريم ...!

زبان تخصصی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence, and then mark the correct choice on your answer sheet.

- 61- Which literary term can match the following definition?
"original or ideal model from which others are copied."
1) archetype 2) decorum 3) meter 4) rhyme
- 62- His reasoning is based on the ----- that all people are equally capable of good and evil.
1) content 2) premise 3) incense 4) confession
- 63- A particular kind of poem that laments the transitory nature of life and beauty is -----.
1) topos 2) epics 3) ubi sunt 4) leitmotif
- 64- In literature, *carpe diem* is -----.
1) traditions or customs of a community
2) a dominant and recurring theme in a novel
3) a recurrent thematic element in an artistic or literary work
4) the admonition to seize the pleasure of the moment without thought for the future
- 65- He will be ----- as president in January because he won the vote.
1) inaugurated 2) persuaded 3) chanted 4) disregarded
- 66- A medieval verse tale characterized by comic, ribald themes drawn from life is a -----.
1) tale 2) fabliau 3) fable 4) novelette
- 67- A genre of prose fiction that originated in Spain and depicts in realistic detail the adventure of a hero is a/an -----.
1) episode 2) romance 3) picaresque novel 4) bildungsroman

- 68- A second phase in the poet's life begins in 1353 after a/an ----- struggle between the Indju and Musaffarid dynasties.
 1) sensuous 2) immense 3) unsurpassed 4) protracted
- 69- Only slowly did Tolstoy return to the writing of fiction, now regarded entirely as a means of presenting his -----.
 1) creed 2) artillery 3) reign 4) futility
- 70- The book does not ----- to be a complete history of the period.
 1) disgust 2) purport 3) revive 4) conceive

PART B: Cloze Test

Directions: Read the following passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space, and then mark the correct choice on your answer sheet.

Tolstoy's next long novel, *Anna Karenina* resumes this second thread of war and peace. It is a novel of (71) ----- manner, a narrative of suicide. The work ends with a promise of (72) -----, with the ideal of a life in which we should "remember God". (73) ----- Anne Karenina also anticipates the approaching (74) ----- in Tolstoy's life. When it came, with the sudden revulsion he describes in *A confession* (1879), he (75) ----- his earlier books and spent the next years in writing pamphlets and tracts expounding his religion.

- 71- 1) constructed 2) syntactic 3) recognition 4) contemporary
 72- 1) salvation 2) conversion 3) recognition 4) war
 73- 1) Whereas 2) Thus 3) But 4) However
 74- 1) period 2) prominence 3) crisis 4) repertoire
 75- 1) praised 2) dedicated 3) recommended 4) condemned

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following passages and answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4), and then mark the correct choice on your answer sheet.

Passage 1:

The two great epics that have made Homer's name supreme among poets may have been fixed in something like their present form before the art of writing was in general use in Greece; it is certain that they were intended not for reading but for oral recitation. The earliest stages of their composition date from around the beginnings of Greek literacy, the late eighth century B.C. The poems exhibit the unmistakable characteristics of oral composition.

The oral poet had at his disposal not reading and writing but a vast and intricate system of metrical formulas – phrases that would fit in at different places in the line—and a repertoire of standard scenes (the arming of the warrior, the battle of two champions) as well as the known outline of the story. Of course he could and did invent new phrases and scenes as he recited – but his base was the immense poetic reserve created by many generations of singers who lived before him. When he told again for his hearers the old story of Achilles and his wrath, he was recreating a traditional story that had been recited, with variations, additions, and improvements, by a long line of predecessors. The poem was not, in the modern sense, the poet's creation, still less an expression of his personality. Consequently, there is no trace of individual identity to be found in it; the poet remains as hidden behind the action and speech of his characters as if he were a dramatist.

The Iliad and the Odyssey as we have them, however, are unlike most of the oral literature we know from other times and places. The poetic organization of each of these two epics, the subtle interrelationship of the parts, which create their structural and emotional unity, suggests that they owe their present form to the shaping hand of a single poet, the architect who selected from the enormous wealth of the oral tradition and fused what he took with original material to create, perhaps with the aid of the new medium of writing, the two magnificent ordered poems known as the Iliad and the Odyssey.

Of the two poems the Iliad is perhaps the earlier. Its subject is war; its characters are men in battle and women whose fate depends on the outcome. The war is fought by the Achaeans against the Trojans for the recovery of Helen, the wife of Achaean chieftain Menelaus. In particular it deals with the wrath of Achilles, the special hero of the poem. The other Homeric epic, the Odyssey, is concerned with the peace that followed the war and in particular with the return of the heroes who survived. Its subject is the long, drawn-out return of one of the heroes, Odysseus of Ithaca, who was destined to spend ten years wandering in unknown seas before he returned to his rocky kingdom.

- 76- **What is the passage mainly about?**
1) The theme of two poems
2) Two famous Greek authors
3) The early stages of Greek literacy
4) Homer as the author of two epics
- 77- **What statement is not true?**
1) The Iliad was made before the odyssey.
2) Homer invented new scenes while he recited the poems.
3) Two master pieces of Homer depict characteristics of oral composition.
4) The Iliad and the odyssey are similar to other oral literature.
- 78- **The phrase "at his disposal" in the second paragraph is closest in meaning to -----.**
1) available
2) getting rid of something
3) made to be thrown away
4) in a particular way
- 79- **Homer wrote both epics in the -----.**
1) 18th century B.C 2) 8th century B.C 3) 18th century A.D 4) 8th century A.D
- 80- **The subject of the Iliad is -----.**
1) pride 2) love 3) battle 4) peace
- 81- **Homer's Odyssey describes -----.**
1) the return of the hero 2) the wrath of Achilles
3) the recovery of Helen 4) the war between Trojans and Achaeans
- 82- **Each of these two epics has the ----- organization.**
1) comic 2) poetic 3) tragic 4) romantic
- 83- **Which statement has not been made in the passage?**
1) These poems were intended for oral composition.
2) The Achaeans fought against the Trojans in the Iliad.
3) Homer was believed to be blind because in his Odyssey the hero was blind.
4) Homer was recreating the story when he told the old story of Achilles for his hearers.

Passage 2:

An essay is any brief composition in prose that undertakes to discuss a matter, expresses a point of view, or persuade us to accept a thesis on any subject whatever. The essay differs from a "treatise" or "dissertation" in its lack of pretension to be a systematic and complete exposition, and in being addressed to a general rather than a specialized audience; as a consequence, the essay discusses its subject in nontechnical fashion, and often with a liberal use of such devices as anecdote, striking illustration, and humor to augment its appeal.

A useful distinction is that between the formal and informal essay. The formal essay is relatively impersonal: the author writes as an authority, or at least as highly knowledgeable, on the subject and expounds it in an ordered and thorough fashion. Examples will be found among the serious articles on current topics and issues in any of the magazines addressed to a thoughtful audience – *Harper's*, *Commentary*, *Scientific American*, and so on. In the informal essay (on "familiar" or "personal essay"), the author assumes a tone of intimacy with his audience, tends to be concerned with everyday things rather than with public affairs or specialized topics, and writes in a relaxed, self-revelatory, and often whimsical fashion.

Montaigne coined the word essay when, in 1580, he gave the title *Essais* to his first publication. Francis Bacon, late in the 16th century, inaugurated the English use of the term in his own series of *Essays*, such as "of Truth", "Of Adversity", etc. Alexander Pope adopted the term for his expository compositions in verse, the *Essay on Criticism* and the *Essay on Man*, but the verse essay has had few exponents after the 18th century. Addison and Steel's *Tatler* and *Spectator* gave the prose essay its standard modern vehicle, the literary periodical. In the early 19th century the founding of new types of magazines gave great impetus to the writing of essays, and made them a major department of literature. In our time the many periodicals pour out scores of essays every week.

84- What is the main idea of this passage?

- 1) The introduction and classification of essay
- 2) The major department of literature in the 19th century
- 3) formal and informal essays
- 4) Essays S in 1580

85- The word "augment" in the first paragraph means -----.

- 1) coin
- 2) enhance
- 3) assume
- 4) adopt

86- The formal essay is ----- and the informal essay is -----.

- 1) impersonal – technical
- 2) non-technical – personal
- 3) impersonal – personal
- 4) personal – impersonal

87- The difference between an essay and a dissertation is in having -----.

- 1) serious tone rather than humor
- 2) thorough fashion rather than whimsical fashion
- 3) technical terms rather than non-technical
- 4) general audience rather than specialized audience

88- In the 16th century, the beginner of the English use of the word essay in his own *Essays* was -----.

- 1) Bacon
- 2) Pope
- 3) Addison
- 4) Steel

89- *Essay on Criticism* is in the form of -----.

- 1) book
- 2) verse
- 3) anecdote
- 4) illustration

90- The essay is a short composition in prose in which striking illustration and ----- are used to increase its appeal.

- 1) satire
- 2) irony
- 3) humor
- 4) metonymy